

## پیش‌خوان

### اثری که برای نخستین بار تاریخچه «فزل قلعه» را می‌جوید

#### چنگالی آهنین

#### که از پی‌س خاطرات بر نیامد!

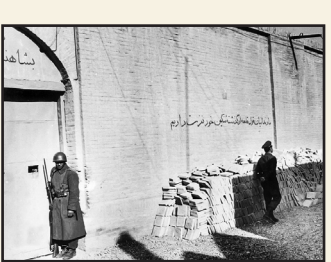
■ محمد رضا کاتبینی



بر خسی نمادها و پدیده‌های تاریخی، به‌رغم اهمیت و نقشی که داشته‌اند، کمتر مورد توجه و ژرف کاوی محققان قرار گرفته‌اند.

در این‌باره و برای نخستین‌بار، یعقوب لطفی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران

دست به تحقیق زد و اثر وی، توسط انتشارات موزه عبرت ایران نشر یافت. مؤلف در دیپاچه این اثر و در باره موضوع اصلی آن آورده است: «فزل قلعه یا فزل قلاع (قلعه سرخ)، نامی درآشنا در ادبیات مبارزات سیاسی میهن زخم‌خورده ایران، از سلاطین و شاهان بوده است و جاوید خواهد ماند، ولی صد افسوس که آن را با سوویت باور نکردنی و عجله‌ای شگرف، در یک روز غم‌انگیز یا چنگال آهنین با خاک یکسان کردند، چنان‌که گویی از ابتدا چنین جایی وجود نداشته است! اکنون پس از گذشت چند دهه از این کار ستم‌آلود، حسرت دیدن و زنده شدن خاطرات دل‌اور مردان و شیر زنان ظلم‌ستیز، بر دل و روح آنها به‌جای مانده است. خاندان را سپاسگزارم که توفیق عنایت فرمود، تا پس از سال‌ها سیری شدن این واقعیت تلخ، بنوام این موضوع مهم تاریخی را یادآور شوم و مطالبی را در حد بضاعت برای علاقمندان و دل‌سوخگان فراهم کنم، تا آن‌شالله با فراهم شدن زمینه‌های تحقیقی - پژوهشی، واکاوی عمیق‌تری در باره این مکان تاریخی - سیاسی به وجود آید. با توجه به قدمت این محل که در حدود یک قرن نیم در این مرز و بوم جا خوش کرده بود، صحنه‌ها، حوادث و خاطرات فراوانی را در دل خود جای داده بود، که دست‌ماه بسیار ارزشمندی برای محققین در حوزه‌های مختلف خواهد بود. بررسی فزل قلعه،

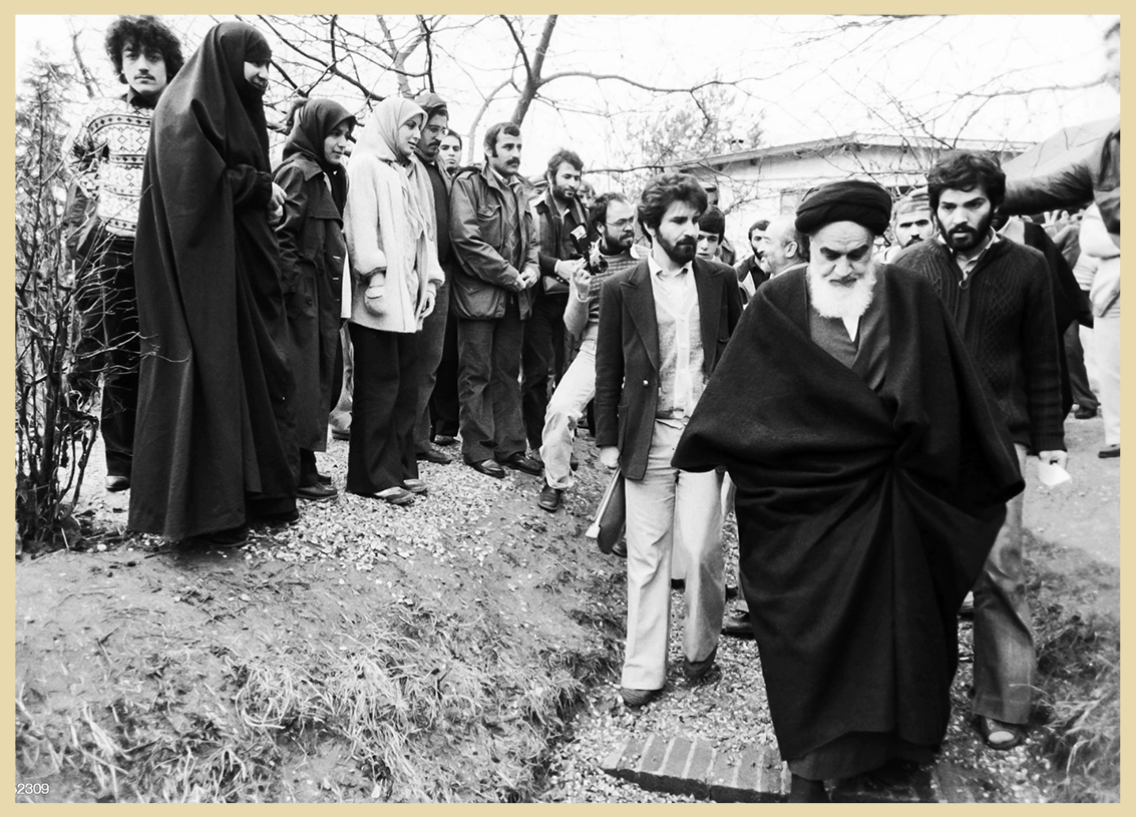


➤نمایی از نگهبانی و دیوار زندان فزل قلعه

از جهات متعددی قابل اعتناست. مواردی از قبیل فزل قلعه و تاریخ ساخت و عوامل ایجاد آن، فزل قلعه ارتباطش با سلسله ساهی قاجار، فزل قلعه و رژیم پهلوی، فزل قلعه و انبار مهمات ارتش، فزل قلعه و زندان در رژیم پهلوی، فزل قلعه و خاطرات زندانیان سیاسی، فزل قلعه و تهران قدیم، فزل قلعه و سرنوشت آن نظر حقوقی و فزل قلعه و شکنجه‌هایش، می‌تواند مورد توجه پژوهشگران، محققین و علاقمندان قرار بگیرد. این زندان در ردیف مخوف‌ترین و در عین حال بی‌کیفیت‌ترین زندان‌ها دنیاست. این محل به منظور زندان ساخته نشده بود و در ابتدا کار کاروانسرای و انباری داشت. به تدریج در رژیم پهلوی، تغییر کاربری داد و با ایجاد تغییرات در داخل راهروها، اتاق‌ها، ساخت حمام و امکته دیگر، تبدیل به یکی از زندان‌های بی‌آبروی دنیا شده‌به‌طوری‌که قریب‌به اتفاق زندانیان سیاسی رژیم پهلوی معتقدند، آنچه در این قلعه (بخوابیدن زندان) و حمامش اتفاق افتاده، یکی از شرم‌آورترین گوشه‌های تاریخ انسانیت و بشریت است. هر چند این زندان پس از دو دهه فعالیت، در سال ۱۳۵۰ به دستور محمدرضاپهلوی تعطیل و در سال ۱۳۶۰ به علت فرسودگی تخریب شد و آن را تبدیل به میدان میوه و تره‌بار کردند!»

مؤلف در ادامه مقدمه خویش، در باره مراحل و فصول این پژوهش، چنین می‌نویسد: «با توجه به بررسی‌های انجام شده، کتاب مستقلی در باره فزل قلعه وجود ندارد، با حداقل نگارنده از آن مطلع نشدم (البته با جست‌وجوی فراوان) و به نظر می‌رسد این نوشتار، می‌تواند خلأ به وجود آمده را حتی در حد اندک پر و کامل کند و یقیناً مجموعه کاملی نخواهد بود، که امید است به مرور زمان کامل تر شود. با توجه به مطالب فوق‌الذکر، مطالعات گسترده میدانی کتابخانه‌ای برای تبیین این موضوع آغاز و با مرجمعه به کتابخانه‌ها، ساندست‌های اینترنتی و بهر برادر ای ۱۲۰ هزار برگ سند منتشر شده، خاطرات به جای مانده از زندانیان سیاسی رژیم پهلوی و انجام مصاحبه‌های شفاهی با مطلعین و مجوسین سعی شد، ان‌شالله مطلبی از قلم نیفتد و در پایان امیداست، این تحقیق در چهار فصل مقبول افتد. فصل اول: شناسخت فزل قلعه، تاریخچه، موقعیت جغرافیایی، وضعیت ساختمان، نوع سازه و استوارهای فزل قلعه. فصل دوم: فزل قلعه و باروایت محبوسین، فصل سوم: فزل قلعه و مبارزات سیاسی و فصل چهارم: خاطرات زندانیان سیاسی و در انتها عکس‌ها تدوین و تقدیم علاقمندان تاریخ‌سیاسی ایران می‌شود…»

## تاریخ



روزهای اقامت امام خمینی در نوفل لوشاتو، در آئینه روایت‌ها و تحلیل‌ها

# حرف ما این است که استقلال می‌خواهیم

■ احمد رضا صدیقی

*روز‌هایی که پر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سبیل‌روز هجرت رهبر کبیر انقلاب اسلامی به پاریس و متعاقب آن، استقرار در دهکده نوفل‌لوشا‌نوست. این رویداد تاریخ‌ساز، انقلاب اسلامی را وارد مرحله‌ای جدی کرد و آن را تسریع نمود. اینک در سال‌روز این واقعه شگرف، پارهای روایات و تحلیل‌ها را در این خصوص بازخوانده‌ایم. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقمندان را مفید و مقبول آید.*

■ یک انتخاب غیرمنتظره

برای بسا شاهدان تاریخ، عجیب می‌نمود که یک مرجع تقلید و در مقام رهبری انقلاب اسلامی، کشور فرانسه را برای اقامت انتخاب کرده است. این اقدام بدیع، تحلیل‌های فراوان و متفاوت برجای‌گذاخت که در آثار برخی از یاران امام خمینی و تحلیل‌گران انقلاب اسلامی انعکاس یافته است. آیت‌الله سیدحسین طاهری خرم‌آبادی، در این باره معتقد است:

«دلیل این که حضرت امام فرانس را برای اقامت انتخاب کردند، روشن است. حضور در کشورهای اسلامی، موجب دردسر برای امام می‌شد. امام در اروپا و در کشوری که در آن آزادی بیشتری وجود داشت، راحت‌تر می‌توانستند اهداف انقلابی خود را پیگیری کنند. اگر قرار بود که امام در جایی مستقر شوند که نتوانند اهداف خودشان را تعقیب کنند، در همان عراق می‌مانند، دیگر لزومی نداشت به کشور دیگری سفر کنند، چون عراقی‌ها نمی‌گفتند که امام در عراق نباشد، بلکه می‌گفتند که سکوت کنند. حتی در فرانسه هم می‌خواستند جلوی اقدامات امام را بگیرند و گرفتند، ولی حرکتی که در ایران انجام گرفت، باعث شد که فرانسوی‌ها هم نتوانند از فعالیت امام‌مانع کنند. روی هم رفته در آن فرصت اندک، امام فکر کردند که اگر به فرانسه بروند، به دلیل وجود آزادی عمل بیشتر، بهتر است، تا اینکه در فرانس، اما در فرانسجهان نهایی را بگیرند. امام در زمانی که در فرانسه قصد داشتند از فعالیت‌های ایشان جلوگیری کنند،

تبدیل به میدان میوه و تره‌بار کردند.»

مؤلف در ادامه مقدمه خویش، در باره مراحل و فصول این پژوهش، چنین می‌نویسد: «با توجه به بررسی‌های انجام شده، کتاب مستقلی در باره فزل قلعه وجود ندارد، با حداقل نگارنده از آن مطلع نشدم (البته با جست‌وجوی فراوان) و به نظر می‌رسد این نوشتار، می‌تواند خلأ به وجود آمده را حتی در حد اندک پر و کامل کند و یقیناً مجموعه کاملی نخواهد بود، که امید است به مرور زمان کامل تر شود. با توجه به مطالب فوق‌الذکر، مطالعات گسترده میدانی کتابخانه‌ای برای تبیین این موضوع آغاز و با مرجمعه به کتابخانه‌ها، ساندست‌های اینترنتی و بهر برادر ای ۱۲۰ هزار برگ سند منتشر شده، خاطرات زندانیان سیاسی رژیم پهلوی و انجام مصاحبه‌های شفاهی با مطلعین و محبوسین سعی شد، ان‌شالله مطلبی از قلم نیفتد و در پایان امیداست، این تحقیق در چهار فصل مقبول افتد. فصل اول: شناسخت فزل قلعه، تاریخچه، موقعیت جغرافیایی، وضعیت ساختمان، نوع سازه و استوارهای فزل قلعه. فصل دوم: فزل قلعه و باروایت محبوسین، فصل سوم: فزل قلعه و مبارزات سیاسی و فصل چهارم: خاطرات زندانیان سیاسی و در انتها عکس‌ها تدوین و تقدیم علاقمندان تاریخ‌سیاسی ایران می‌شود…»



■ امام خمینی در دوران اقامت در نوفل‌لوشاتو، در بازگشت از قلعه نواز جماعت ظهر و عصر

## د

برای بسا شاهدان تاریخ، عجیب می‌نمود که یک مرجع تقلید در مقام رهبری انقلاب اسلامی، کشور فرانسه را برای اقامت انتخاب کرده است! این اقدام بدیع، تحلیل‌های فراوان و متفاوت برجای‌گذاخت. انتخاب پاریس و سپس نوفل لوشاتو از سوی امام خمینی، علاوه بر نمایان ساختن هوش سیاسی رهبر انقلاب، اعجاب‌پارهای از عناصر و جریانات سیاسی و حتی دولت‌های جهان و نمایندگان آنان را در پی‌داشت.

د

می‌انداخت و به اظهارات رمزی کلارک توجه می‌کرد، احساس خوبی داشتیم. وی می‌گفت اظهارات کلارک و سناتور چرچ، تأثیر مخربی دارد. کلارک قدرت یک مقام رسمی را دارد، زیرا قبلاًیک مقام رسمی بوده است و در ایران، مردم یک مقام رسمی را حتی پس از کناره‌گیری‌آن شخص معتبر می‌دانند. از جمله مسائلی که گروه‌نگران آن بود، تأثیر این اظهارات روی دانشجویان ایرانی در امریکا و بستگان خودشان در آنجا بود. بسیاری از افسران در سطوح مختلف ارتش، همسران خود را به‌دلایل امنیتی به آنجا فرستاده بودند. در چند روز اخیر، این افراد نتوانسته بودند از طریق تلفن با بستگانشان ارتباط برقرار کنند، بنابراین تنها منبع اطلاعات آنها رسانه‌ها بودند…»

■ من هنوز به مردم نگفتم که تکلیف امریکایی‌های مستقر در ایران را معین نمایند!

در دوران حضور امام خمینی در نوفل لوشاتو، سمران رژیم پهلوی و حامیان فرامطنقه‌ای آن، برای ایجاد ترلززل و تردید در اراده رهبر انقلاب، به‌اقدامات متنوعی دست زدند. دیدار نمایندگان جیمی کارتر و ژیسکار دستن، روسای جمهور فرانسه و فرانسه در ایران با ایشان، در زمره این اقدامات قلمداد می‌شود که البته با واکنش قاطع امام مواجه و آنان را وارد به عقب‌نشینی و انفعال نمود. محمد هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود، در فقره این دیدار می‌گوید:

«ساعت ده ونیم شب اوایل بهمن ماه، نمایندگان ژیسکار دستن رئیس‌جمهور فرانسه و جیمی کارتر رئیس‌جمهور امریکا، در نوفل لوشاتو به دیدار امام آمدند. نماینده کارتر با لحن کمی تند، بی‌دانه و تهدیدآمیز، با امام صحبت کرد. امام پس از شنیدن صحبت‌ها و فرمودند: من هنوز به مردم نگفتم که تکلیف امریکایی‌های مستقر در ایران را معین نمایند، اگر لازم باشد می‌گویم، در نهایت امریکارا از دخالت در امور ایران بر حذر داشتند. نماینده آقای ژیسکار دستن با لحنی مؤذب و دلسوزانه با امام صحبت کرد و در صحبت‌های خود از اهمیت فضای زندگی و محل اقامت امام کوچک و نامناسب است، عذرخواهی کرده بود و اظهار داشت: اگر امام اجازه می‌دهند، ایشان به محل دیگری منتقل شوند از جمله کاخ ورسای که در نزدیکی نوفل لوشاتو بود و پیشنهاد داده بود، بهتر است فعلا شما به ایران نروید، چون برای شما در ایران خطر وجود دارد. امام در پاسخ خود جلب کر بود…»

■ بازتاب دیدار رمزی کلارک با امام خمینی همانگونه که اشارت رفت، حضور امام خمینی در نوفل لوشاتو و سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای ایشان در آن دوره، تأثیر فراوانی در شناخت ماهیت انقلاب اسلامی داشت. این بازتاب‌ها در ایران، به عامل مهمی جهت سبایش روحیه و توان مقاومت حکمرانان وقت، به‌ویژه سران ارتش مبدل شده بود. به عنوان نمونه رابرت هابیزر، ذیل خاطرات روز ۴ بهمن ۱۳۵۷، با اشاره به انتشار گفت‌وگویی از رمزی کلارک – دادستان اسبق امریکا – می‌نویسد:

«در صفحه اول کیهان، عکسی از رمزی کلارک باشد، من تشخیص دادم اینها توطئه‌هایی دارند که اگر من در ایران باشم، مانع از انجام آنها خواهم بود و اگر نباشم، توطئه خود را انجام می‌دهند. لذا از دیدار، بلافاصله اعلام کردم جمعه به ایران می‌روم. امام فضیلا را اینگونه تحلیل می‌کردند و بر منبای تحلیل تصمیم می‌گرفتند. گفتنی است در آن ایام، دوستانی که در فرانسه دور و بر امام بودند و تعدادی از ایرانیان داخل کشور، شرایط را برای بازگشت امام مناسب نمی‌دانستند و توصیه به توقف بیشتر در فرانسه می‌کردند. امام خمینی از اظهار علاقه نمایندگان کارتر و ژیسکار دستن درباره رفح خطر از جاننش، نتایج دیگری گرفتند و به آن عمل کردند…»

■ عزیمت از پاریس به نوفل لوشاتو

عزیمت امام خمینی پس از اقامت اولیه در پاریس به دهکده نوفل لوشاتو در ۴۰ کیلومتری این شهر، عوامل و موجباتی داشت که به‌جاست تا در این مجال، مسورد توجه قرار گیرد. حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی که در زمره ملاقات‌کنندگان رهبر انقلاب در آن نقطه می‌داد، نداشتم. شور و شوق آنها مسرت‌بخش بود، زیرا همین که به اخبار خوب توجه داشتند، تغییر و تحولی برای آنها به‌شمار می‌آمد. حتی وقتی قریباتی تئیه‌های مربوط به [امام] خمینی را از قلم

## روزنامه جوان | شماره ۶۵۹۰

(Dover) رفتم و از آنجا با کشتی به بندر کاله (Calais) فرانسه و از آنجا با قطار، عازم پاریس شدید. در پاریس هم با مترو، به محله کنشان رفتم. تقریباً حدود ساعت پنج بعدازظهر بود که به آنجا رسیدیم. می‌دانستیم که امام، در منزل آقای غضنفرپور است. آهارتمان آقای غضنفرپور، در طبقه چهارم یک ساختمانی در این محله بود. به محل آهارتمان رفتم. تعدادی از دانشجویان هم برای دیدن امام آمده بودند. به ما گفتند: امام ساعتی پیش، از این محل به محل جدیدی به نام نوفل لوشاتو که بیرون پاریس است، رفته‌اند. گفتند: به دلیل تردد زیاد افراد برای دیدن امام – که تقریباً در این چند روز، مسیر راه پله‌ها تا طبقه چهارم و حتی در کوچه برای زیارت امام صف بسته بودند- همسایه‌ها مستأصل شده بودند و ظاهرأ یکی از آنها به پلیس شکایت کرده بودا گفتند: چون امام احساس کرده بود که همسایگان در رحمت هستند، فرموده بودند: باید از این محل برویم. لذا به ۴۰ کیلومتری پاریس، در محلی به نام نوفل لوشاتو و به ساختمانی که متعلق به یکی از ایرانی‌ها بود، رفته بودند. در نوفل لوشاتو، امام در خانه‌ای که متعلق به یک ایرانی به نام آقای عسگری بود، مستقر شده بودند. در واقع خانه آقای عسگری، فضایی شبیه به یک باغ داشت که در وسط آن، ساختمان کوچکی قرار داشت. این ساختمان زیرزمینی داشت که یک طبقه ساختمان روی آن ساخته شده بود که با چند پله به آن دسترسی بود. بنای مزبور سه باب اتاق داشت که یکی از آنها محل رفت‌وآمد مراجعین بود و دیگری برای فعالیت دفتر اختصاص داشت و اتاق سوم نیز، برای استراحت امام در نظر گرفته شده بود…»

■ حرف ما این است که استقلال خود را می‌خواهیم

از راهبردهای دائمی رهبر انقلاب در دوران اقامت در نوفل لوشاتو، تأکید بر دوری نهضت اسلامی از به‌کارگیری تقابل نظامی و ایضاً خشونت برهیز بودن آن است. امام پیام نهضت اسلامی را همه فهم و خریدپذیر قلمداد و نیازی به استفاده از اسلحه در آن احساس نمی‌کرد. زنده یاد آیت‌الله سیدجواد علم‌الهدی در این زمینه آورده است:

«در دهکده نوفل لوشاتو، خدمت امام رسیدم. آنجا یابی بود که در مواقع نماز، آقاکنار درختان و داخل باغ، نماز جماعت می‌خواندند. مردم هم می‌آمدند پشت دیوار و نگاه می‌کردند و عکس می‌گرفتند. بعضی از آنها می‌گفتند: ما مسیحی هستیم و ایشان (امام) نماینده مسیح است که آمده و از طریق ایشان بر ما برکت نازل می‌شود. وجود امام در آنجا خیلی برای ما برکت و نعمت می‌دانستند. طی ۱۰ روزی که من محضر مبارک ایشان بودم، خبری آبه نقل از آن تشبید ازهرای از تهران آمد که: حضرت آیت‌الله‌العلمی، الان ایران در امن و امان است و مملکت خودتان است، شریف بیابورید به مملکت خودتان…! امام وقتی این را شنیدند، همان‌طور که سر مبارکشان پایین بود، فرمودند: آمدن یسا نیامدن من به ایران، به اختیار خودم است…! در پاریس، روزی یک خبرنگار از امام پرسید: آیا شما اجازه می‌دهید کسانی که در قفسدار شما هستند، مسلح شوند؟ حضرت امام با دست اشاره فرمودند: نه، ما با اسلحه کاری نداریم، ما قصد حرکت مسلحانه نداریم و این تکلیفی است که اجانب ممکن است به دست بروردهایشان تحمیل کنند، ما اهل این حرف‌ها نیستیم، ما اهل استدلال و مباحثه هستیم و حرف‌مان را به دنیا می‌زنیم و زده‌ایم. حرف ما این است که استقلال خود را می‌خواهیم…»

■ این اموال را خرج اعتصابیون کنید!

و این سخن کتک‌ای که برای ذکر در این نوشتار برگزیده‌ایم، آن است که امام خمینی حتی در دوران لوج گفتمانی مبارزات در نوفل لوشاتو نیز از شرایط اعتصابی اعتصابیون و نیازمندان در ایران غفلت نکرده و در صدد اصلاح آن بوده‌اند. خاطره زنده یاد حبیب‌الله عسکرآولادی شاهدهی

بر این مدعاست:

«پس از تبعید حضرت امام به فرانسه در مهر ماه ۱۳۵۷، حدوداً اوایل آبان ماه همان سال، من برای زیارت ایشان به پاریس و نوفل لوشاتو رفتم. در خیمه‌ای منتظر بودم، تا امام شریف بیابورند… من شما را بعد ببینم. عرض کردم: به روی چشم. نماز به جماعت برگزار شد و بعد از نماز، هنگامی که ایشان داشتند شریف می‌پردند، به بنده فرمودند: بپایید. من به همراه امام رفتم و رفتم و رفتم و بعد از مدتی که خدمت ایشان بودم، ایشان بغچه‌ها و دستمال‌هایی را آوردند، باز کرده و فرمودند: اگر می‌خواهید بروید، این چیزها را ببرید. خانم‌ها و دختران زیادی انگشت و انگو، گردن‌بند و زبور آلات خود را برای ایشان آورده بودند. مقداری پول ایرانی و مقداری ارز خارجی هم بود، فرمودند: اینها را ببرید. من عرض کردم که شما در آنجا بیشتر به اینها نیاز دارید، مردم اینها را داده‌اند که شما اینجا مصرف بفرمایید. امام فرمودند: من که خرجی ندارم، اما شنیدم‌ام که وضع اعتصابی‌ها در کشور بد است، اینها را ببرید و بفروشید و مصرف اعتصابیون کنید…»